و آنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققا ایشان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ بیست و چهارم | چهارشنبه اول میزان ۱۳۸۳ | ۸ شعبان المعظم ۱۴۲۵ - 22 September 2004

سرمقاله
موضع جمعیت در انتخابات ریاست جمهوری وکژ نگری برخی از رسانه
ص۲

خشم کاندیدا شدن و ایمان آوردن
ص ۶

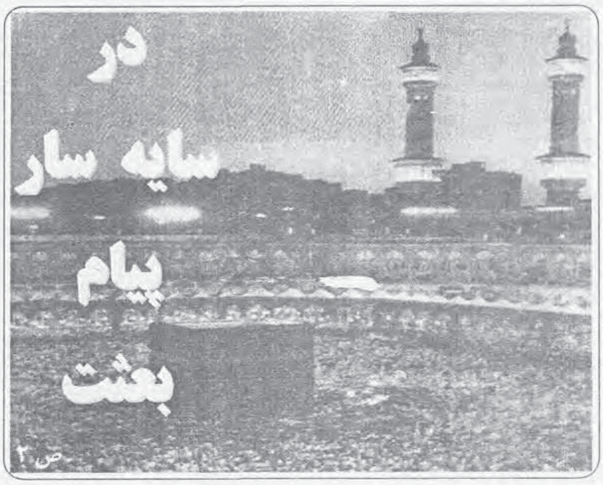
مسؤولیت دولت در مبارزه با مفاسد اخلاقی و اجتماعی
ص۵

استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت:

هدف ما مصالح ملی، امنیت وثبات سیاسی در کشور می باشد



استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت افغانستان روز دوشنبه ۳۰ سنبله مصاحبه هایی با گزارشگران وال ستریت ژورنال، شیکاگو تریبون ولاس انجلس تایمز انجام داده است. در این مصاحبه ها استاد در مورد انتخابات پارلمانی درکشور، صلاحیت های پارلمان، و موضع گیری جمعیت اسلامی افغانستان در روند انتخابات ریاست جمهوری صحبت نمودند و دیدگاهش را دربارهٔ کمپاین انتخابات و موضع گیری سیاسی جمعیت اسلامی در پیرامون مسائل کنونی ابراز نمودند وگفته اند که: برای این که قانون اساسی در کشور تطبیق شود، از نظامی حمایت می کنیم که برای ثبات سیاسی و وحدت ملی کار کند. چون هدف عمدهٔ ما مصالح ملی، منافع مردم، امنیت وثبات سیاسی در کشور می باشد و در این مرحله به رقابتهای سیاسی ارزشمند تر است.



سه نفر به اتهام سوء قصد به جان حامد کرزی بازداشت شد

روز پنجشنبه ۲۶ سنبله در حالی که هلیکوپتر حامل آقای حامد کرزی در حال فرود آمدن در کنار مکتبی در منطقهٔ شهر گردیز بود، راکتی به



سوی آن شلیک گردید که به هدف اصابت نکرد.این حادثه سبب شد که هلیکوپتر حامل رئیس دولت دوباره به کابل باز گردد.

سخنگوی وزارت داخله در مورد دستگیری سه نفر به اتهام این قضیه گفت: حمله کنندگان پس از شلیک راکت از محل فرار کردند اما نیرو های امنیتی موفق شدند آنها را از منطقه یی که از محل حادثه نه کیلومتر فاصله دارد دستگیر نمایند.سید امین ، احمد شاه ومحمد دستگیر شدگان این حادثه می باشند.

براساس یک خبر دیگر عبداللطیف حکیمی سخنگوی طالبان ضمن تماس با یک خبرنگار مسؤولیت این حمله را به دوش گرفته و اذعان کرده است که دیگر نامزد های ریاست جمهوری نیز در معرض حملهٔ طالبان قرار خواهند گرفت.

یک گزارش دیگر حاکی است که نعمت الله شهرانی معاون رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان از یک سوء قصد جان به سلامت برد. هنگامی که آقای شهرانی همراه با گل اغا شیرزوی وزیر فواید عامه عازم شهر تالقان بودند در منطقهٔ چوغهٔ ولایت تخار بمبی در فاصلهٔ دوصد متری موتر حامل وی انفجار نمود. در این انفجاریک پاسبان وی جراحت برداشته است.

این حوادث هنگامی رخ می دهد که بیشتر از دوهفته به زمان انتخابات باقی نمانده است. طالبان چندین بار تهدید نموده اند که انتخابات ریاست



جمهوری را برهم خواهند زد. اما مقامات امنیتی کشور ونیروهای ائتلاف بین المللی با وارد ساختن نیروهای بیشتربه افغانستان اطمینان داده اند که انتخابات در فضای مطمئن به سر خواهد رسید.

کاربرد نادرست برخی واژه ها

ائتلاف

ص۳

گشایش پنجاونهمین نشست سالانهٔ ملل متحد

پنجاو نهمین نشست سالانهٔ سازمان ملل متحد، روز سه شبه ۳۱ سنبلهٔ سال روان ، با سخنان کوفی عنان دبیر کل آن سازمان گشایش یافت. عنان در این سخنرانی گفت: درسراسر جهان، از قوانین ملل متحد، به گونه یی شرم آور تخطی صورت می گیرد.

جورج دبلیو بوش رئیس جهور ایالات متحدهٔ امریکا نیز در روز اول این جلسه صحبت کرد و از تصمیم خود، در تهاجم به عراق دفاع نمود و گفت: عراق حاکمیت خود را دوباره به دست آورده و به جامعهٔ جهانی پیوسته است.

بش همچنان از مبارزهٔ امریکا در افغانستان دفاع کرد و خاطر نشان ساخت که افغانستان نیز مانند کشور عراق در مسیر آزادی قرار گرفته است.

ص۶

حکمتیار افغان مهاجرینو ته په ټول ټاکنو کې د برخې اخیستنې غوښتنه کړې دي

دخبري سرچینو په وینا د حزب اسلامي پخواني مشر ګلب الدین حکمتیار په پاکستان کي دافغان مهاجرینو کمپونو کی دشپي پاڼي خپري کړي دي په دغو پاڼو کي له مهاجرینو څخه په کلکه غوښتنه شوي چي دجمهوري ریاست لپاره ټول ټاکني تحریم کړي او زیاته کړي ئي ده چي راي ورکول په دغه ټول ټاکنه کي په حقیقت کي د جورج بوش، توني بلیر او پوتین څخه ملاتړ دي او دغه تحریم به نړیوالو ته دا په ډاګه کړي چي افغانان پخپل هیواد کي ګوډاګي او د پردو لخوا تپل شوي واکمنان نه غواړي. دیادوني وړ ده چي په سلګونو زره تنه افغانان د پاکستان په کمپونو کي دمهاجرت په حال کي ژوند کوي او په ټول ټاکنو کي د دوي ونډ نه اخیستنه دانتخاباتو په بهیر باندي ناوړه اغیزه لري.

آقای قانونی نامزد ریاست جمهوری

خط مشی سیاسی اش را اعلام کرد



پیش از این، دوبار اعلام گردیده بود که آقای قانونی خط مشی سیاسی اش را اعلام می دارد، اما عدم حضور وی برای اعلام خط مشی خود این شایعات را که او در حمایت از آقای کرزی به کمپاین انتخاباتی اش پایان داده است، تقویت می بخشید.

روز دو شنبه ۳۰ سنبله وی در یک کنفرانس مطبوعاتی، ائتلاف با حامد کرزی را رد کرد اما گفت مذاکراتی از طرف دوستان نزدیکم به این منظور انجام شده است.

او گفت نتیجهٔ مذاکرات برای او ومجاهدان قناعت بخش نبوده است اما هیچ گاه مذاکرات مفید به حال مردم را کنار نمی گذارد. او تأکید کرد که هدفش به دست آوردن پست یا مقامی دردولت آینده نبوده است. آقای یونس قانونی پیش از این که حامد کرزی فرد دیگری به جز از مارشال فهیم را به عنوان معاون اول خود برگزینند، از وی حمایت می کرد اما به طور ناگهانی تغییر موضع داد و خود را نامزد ریاست جمهوری اعلام کرد تا با حامد کرزی رقابت کند.

او علت این امر را عدول آقای کرزی از یک طرح جامع ملی عنوان کرد. یک روز پس از این نشست مطبوعاتی آقای قانونی دیروز سه شنبه خط مشی سیاسی اش را اعلام کرد اما بر خلاف تعداد زیادی از نامزد های انتخابات ریاست جمهوری، سخنان اعتراض آمیز علیه حامد کرزی و برنامه های او نگفت. اسلام وامنیت وثبات سیاسی را از ویژگی های دولت آینده خواند.

منتقد و ادیب اسلامی دکتر عماد الدین خلیل در گفتگو با مجلهٔ عربی زبان المجتمع:

ادبیات اسلامی بسیار پیش رفته است اما در برخی موارد به بازنگری نیاز دارد

ص۷

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ

صندوق پستی : ۲۲۶

شماره های تلفن:

تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰

E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

موضع جمعیت در انتخابات ریاست جمهوری وکژ نگری برخی از رسانه

جمعیت اسلامی افغانستان با مطالعهٔ اوضاع وشرایط کنونی کشور در زمینهٔ انتخابات ریاست جمهوری از پیش تصمیم گرفت که در مرحلهٔ کنونی برای ما امنیت وثبات از هر چیز دیگر بیشتر ارزش دارد لذا ما در انتخابات ریاست جمهوری کنونی به جای وارد شدن به عرصهٔ رقابت های حاد انتخاباتی در جهت تحکیم امنیت و ثبات گام بر می داریم وسعی می کنیم در حمایت از کاندیدایی مشخص با دیگر سازمان ها وشخصیت های جهادی وملی تصمیم بگیریم.

به همین دلیل جمعیت در جمعی بزرگ از سازمان ها و شخصیت های جهادی وارد بحث ها وتفاهماتی شد ومذاکراتی به این منظور میان این جمع و آقای کرزی صورت پذیرفت. این جمع مسائلی را پس از گفت وشنیدهایی زیاد به عنوان پیش شرط های حمایت ایشان از وی درانتخابات مطرح کردند که همه در پیرامون حاکمیت و منافع ملی افغانستان، و رعایت احکام و تعالیم اسلامی، واحترام به ارزش های جهاد ومقاومت وتوجه به مجاهدان وشهیدان ومعلولان و... می چرخید، همهٔ این پیش شرط ها از سوی آقای کرزی پذیرفته شد.

لذا این جمع ـ جز آقایان مارشال فهیم وقانونی ـ از جمله جمعیت به گونهٔ طبیعی به روند این تفاهمات ادامه داده اند وجمعیت اسلامی افغانستان این موضع خود را بارها طی کنفرانس ها ومصاحبه ها واعلامیه هایی متعدد روشن ساخته است ولی با این حال گاه و بیگاه برخی از دست اندرکاران شماری از رسانه های درونی و بیرونی تجاهل کارانه موضع گیری هایی را به جمعیت نسبت می دهند که خلاف واقع ومنافی آداب ژورنالیسم است.

بارها شنیده شده است در تبصره ها و در میز گردهایی رادیویی کسی آقای منصور را کاندیدای جمعیت می گوید در حالی که وی خود را رسماً کاندیدای مستقل خوانده است و برخی دیگر آقای قانونی را کاندیدای جمعیت معرفی می کند حال آن که وی خود را در دفتر تنظیم انتخابات کاندیدای نهضت ملی ثبت کرده است.

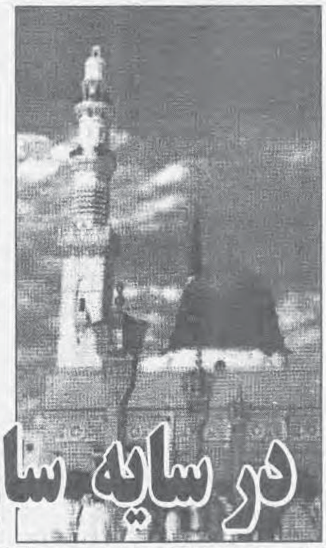
چند روز پیش آقای ظاهر طنین در یک میز گرد رادیوی بی بی سی زمانی که دربارهٔ اسباب و عوامل مذاکرات آقای قانونی با آقای کرزی سخن می گفت، تعبیراتی از ایشان صادر شد که دلیلی جز براهمال یا غفلت ایشان نمی تواند باشد.

آقای ظاهر طنین این مذاکرات را در این میز گرد گاهی به "جمعیت وشورای نظار" منسوب می کرد وگاهی این حرکت آقای قانونی را تلاش رهبران جمیعت می خواند که در هر دو مورد خواسته و یا ناخواسته مرتکب اشتباه می شد، گذشته از آن که تعبیر "جمعیت وشورای نظار" تعبیری دقیق نیست، مسأله یی است متعلق به گذشته.

کسانی که اندکترین ورود به مسائل سیاسی معاصر افغانستان دارند می دانند که شورای نظار به رهبری مسعود شهید تشکیلاتی بود در داخل جمعیت که برای پاسخ گویی به نیازهای وقت جهاد در داخل کشور ایجاد شده بود و زمانی که جهاد به پیروزی رسید توسط آمر صاحب شهید ملغی اعلان شد و از آن زمان به بعد آقای ظاهر طنین باید بدانند که شورای نظاری وجود ندارد ونیز باید بدانند که در این مذاکرات اخیر آقایان قانونی و کرزی هم به هیچ وجهی رهبران جمعیت شرکت نداشته اند.

البته گزارشگری از حوادث وتحلیل گری دربارهٔ اسباب و علل آن حق همگانی است ونمی شود کسی را از آن محروم کرد اما فرق است میان تحلیل گری دربارهٔ دیدگاه های یک سازمان وسخن گفتن به نمایندگی از آن. آقای طنین در این میز گرد بیشتر در هیئت یک سخن گوی جمعیت سخن می راند تا یک تحلیل گر.

متأسفانه مغالطه و ایهام در برنامه های برخی از رسانه ها بر واقعیت گویی و گزارش گری چیره شده است، کاری که با رسالت آنها سازگار نیست.



در سایه سار پیام بعثت

• • • پوهنمل سید عنایت الله شاداب

زمانه کهنه تبان را هزار بار آراست
من از حرم نگذشتم که پخته بنیاد است

"اقبال"

بعثت محمدی بزرگ ترین پدیده های تاریخ زندگی انسانی است که از بامدادان حیات بشر در این ستارهٔ خاکی تاکنون نظیر آن به خوانش گرفته نشده است.

پدیده یی که سرنوشت انسان را از نو رقم زد و سرشت باورها وپیوندهای او را در پیوند به آفریدگار، عالم، آدم و زندگی، هویتی بخشید سوا از هویت های زمین باورانه، و جایگاه انسان را از پستای بندگی طبیعت بر بلندای سروری آن رساند.

آری! آن گونه که تاریخ نگاران وسیره نویسان، دوران بعثت محمدی را به تصویر کشیده اند، دورانی است، آکنده از بدی ها وجولانگاهی است برای توسن سرکش خواسته های نفس، تفرقه واختلاف درمیان فرزندان آدم، جهانی که قانون حاکم بر آن زر وزور بوده وحقانیت زور را بر پیشانی ایوان حکمروایی آن چنان نوشته بودند که گویی قانونی است برخاسته از طبیعت و یا آیه یی است منزل از عالم بالا.

چلچراغ خرد وبینش و دانش نیز زمینه های نور افگنی بر زندگی انسان را از دست داده و نوای فطرت آدمی هم مخاطبان انگشت شماری داشت. ادیان آسمانی چنان بازیچهٔ بلهوسی های احبار و رهبان گردیده بود که پرچمداران نخستین آن اگر به آن ها رو به رو می شدند، از شناخت آنها ناتوان بودند. داعیه داران این آئین ها برخلاف تعلیمات آن ادیان، با کرنش در برابر حکمروایان، پشتیبان آنان شده و آموزه های دین موسی را تحریف و خود را ملت گزیدهٔ خدا و فرزندان او قلمداد کردند و دیگران را دشمن.

متولیان آئین مجوسی هم برای هستی دوخدای خیر و شر را مطرح نمودند و زمزمهٔ حق بودن توان مندان وباطل بودن ناتوانان را طنین انداز کردند. آئین مانوی هستی انسان را هستی شرارت سرشت خوانده و به تلاوت آیات قطع نشده پرداخت و دستور منع زنا شویی را صادر نمود. آئین مزدکی شعار همگانی بودن زن و زر را بخوانش گرفت و دین برهمایی خانوادهٔ بشری را به طبقه های اشراف، سربازان، کشاورزان و خدمت گذاران دسته بندی کرد.

یونان و روم هم در تاریکی های بت پرستی و باورهای باطل دست و پا می زد. امپراتوری فارس دچار بردگی، نظام طبقاتی وارد شده از هند گردیده و در اثر ظهور کیش مزدکی نظام خانوادگی از هم پاشید، وهمگانی بودن دارایی های خصوصی اوج گرفت این همه از یک سو و از سوی دیگر عقل انسانی هم از بازگشایی راز پدیده ها ناتوان ماند و پیش کسوتان فلسفه هم در حل مشکلات انسان زمین گیرشدند و از پا در افتادند. سقراط معیار برتری انسان را معرفت عنوان کرد وشاگردش افلاطون حکمت وعدالت و... را وبرخی دیگر هم لذت ومنفعت را.

آری! در چنین حال وهوایی ضرورت ظهور مصلحی برای رهایی از چنگال جهل، خودکشی وستم سالاری سؤالی بود حک شده برپیشانی زمان.

از آن جا که زمان ومکان امری است بس مهم در بعثت های اجتماعی، توجه به این امر در تحلیل پدیده های اجتماعی از اهمیتی ویژه برخوردار است و فربهی و لاغری هر پیامی ولو فرا زمانی ومکانی هم باشد بدان ها وابسته است.

بر بنیاد همین اصل است که اهمیت گزینش جزیره العرب به صورت عام ومکه به صورت خاص به حیث نخستین بستر وبهترین فضا برای شکوفایی این پیام رهایی بخش از بند اوهام وخرافات وستم وتبعیض در اذهان تجسم می یابد. زیرا مکه از موقعیت فرهنگی واقتصادی ویژه برخوردار بود وشایستگی آن را داشت که بستری باشد برای پیام بعثت محمدی.

بدون شک زمان هم از هر جهتی آمادهٔ ظهور آیینی بود که انسان ها و توده های لگد مال آز و هوای خودکامگان را برمحور خویش بچرخاند، زیرا اهداف ومفاهیم همه ادیان پیشین دچار تحریف شده و از ریشه های اصلی خود بریده بودند.

بت های روم و آلههٔ یونان جایگاه ویژهٔ خود را از دست داده بودند. ستمگری، تبعیض، بردگی از شاخصه های امپراتوری روم گردیده وفساد در همه جا دامن گسترده وحقوق اساسی انسان ها هم پامال شده بود.

در گسترهٔ حاکمیت چنین وضعی و در همچو زمان ومکانی، بعثت محمدی تجلی یافت. مساوات انسانی را به آواز رسا اعلان کرد و همه را به حیث فرزندان آدم نواله خواران همزاد وهم نژاد سفرهٔ آدمیت خواند و فراخوان برابری و برادری فرزندان آدم را در پهنا و درازای این زمین که حال دهکدهٔ کوچکش می خوانند پخش ونشر نمود.

پیام بعثت محمدی پیام رحمت وگذشت، برادری و برابری است، پیامی که بشریت رنج کشیده و زجر کشیدهٔ آن وقت سخت نیازمند آن بود.

پیام بعثت محمدی پیام رحمت وگذشت، برادری و برابری است، پیامی که بشریت رنج کشیده و زجر کشیدهٔ آن وقت سخت نیازمند آن بود

حال که ما در قرن ۲۱ میلادی و ۱۵ هجری زندگی می کنیم چه وضعی داریم؟ آیا دست نیاز ما به درونمایه های آن پیام هنوز دراز است و یا خیر؟

بلی! در این دهکدهٔ کوچک جهان که من و تو باشندهٔ آن هستیم قدرت مندان از یک طرف زمزمه گر پیام صلحند و از سوی دیگر کوبندهٔ طبل جنگ. دشمن می تراشند وملت های خود را به بهانهٔ جنگ برضد دشمن از توجه به نارسایی های خود باز می دارند.

طرح «دیوار آهنین» از طرف چرچل و «امپراتوری شیطانی» از طرف ریگان همه در این راستا تدوین گردیده است.

یکی از روزنامه نگاران روزنامهٔ آبزرور «وولیامی» گفت: «.. بدون شک دشمن این سرزمین آزادگان (امریکا) عبوس ومالیخولیایی و بدون هدف خواهند بود.»

برژنسکی آن پیر مرد لهستانی الاصل با وارد کردن اصطلاح نوی در فرهنگ سیاسی «تیدی تایمنت» که مرادش همان سرگرم ساختن جمعیت سرخوردهٔ جهان بود، این نسخه را برای سردمداران تمدن دود تجویز کرد که سرگرمی های تخدیر کننده برای جهان فراهم شود.

در روشنایی آنچه گفته شد می توان آیندهٔ بشر سرگردان وقربانیان این تمدن دود را پیش بینی کرد.

بومدین رئیس جمهور پیشین الجزائر باری در کنفرانس کشورهای رو به رشد آسیا، امریکای لاتین وممالک افریقا در الجزائر گفته بود که کشورهای پیشرفته زالوهایی هستند که فشارشان برجهان درحال رشد پیوسته سخت تر می گردد.

آری! همه دورهم می نشینند که درجهان صلح را برقرار کند ولی نغمهٔ ساز جنگ را می سرایند«پیام صلح می خوانند وطبل جنگ می کوبند»

بلی ما نیازمند پیام بعثت محمدی هستیم، پیامی که مساوات انسانی مساوات اجتماعی و اقتصادی ومساوات نژادی و آزادی سرلوحهٔ آن است.

امروز با چه منطقی می توان درمیان قربانیان جنایت ها فرق گذاشت در پیام بعثت محمدی همان طور که کشته شدن انسان های بی گناه نیویورک محکوم است، کشتار انسان های عراق و فلسطین وکشتن محمد الدره در آغوش پدرش توسط ارتشیان اسرائیل محکوم است.

اگر اصول نظام لائیک در کشورهای زادگاه دموکراسی از تعرض مصؤون است، چرا در افغانستان ارزش های دینی وملی ما از تعرض مصؤون نباشد وچرا افغان ها بدون هراس از آن به دفاع نپردازند؟

امروز در همه جا یا طبل جنگ کوبیده می شود و یا برای پیروزی در جنگ تمدن ها هورا می کشند.

سخن از تمدن، آزادی، انسانیت، دیگر اندیشی و... در آن حدی است که با پول اوراق مصرف شده در آن می توان صدها هزاران قربانی دارفور در سودان را از سوء تغذی نجات داد.

اکنون تجاوز به ناموس، کلمه و کلام یکی از ویژگی های عصر حاضر گردیده وسخن به جایی رسیده است که از جنگ های انسان دوستانه حرف می زنند.

از همین جاست که جامعهٔ بشری نیازمند پیامی است برای رهایی از سلطهٔ اربابان زرادخانه های اسلحهٔ کشتار جمعی وسلطهٔ ماشین، پیامی که درون مایهٔ آن انسان سالاری است نه ماشین سالاری همین انسان است که ماشین می سازد و اختراعات را راه اندازی می کند. و همین انسان است که به تعبیر دکتر اقبال عالم در آن می گنجد و آدم در عالم نه "وباید" سروری آن را برهمه کائنات تجلیل کرد.

آنچه در عالم نگنجد آدم است
آنچه در آدم بگنجد عالم است

و این پیام بعثت محمدی است که تاهنوز از شایستگی رهبری بشریت لگد مال شدهٔ آز و هوای قرن بیست ویکم برخوردار است هرگونه غبار کهنگی به دور وباید در راه پیاده کردن ارزش های انسانی آن مبارزه کرد.

کاربرد نادرست برخی واژه ها

ائتلاف

محمد نسیم فقیری

کلمهٔ ائتلاف از دانش واژه های معروف و متداول در فرهنگ سیاسی جوامع مختلف و از جمله در کشور ماست که به ویژه در ماه های اخیر به سطح بسیار وسیع و گسترده و در اکثر موارد به صورت نادرست به کار برده می شود.

کاربرد نادرست این واژه در سطح افراد عادی محدود نمانده بلکه سران دولت ، گروه ها، کاندیداهای ریاست جمهوری و تحلیل گران رادیوها و مطبوعات نیز آن را به صورت نادرست به کار می برند و مثلاً گفته می شود که رئیس دولت با فلان شخص و یا گروه ائتلاف می کند و یا نمی کند و یا کاندیداهای ریاست جمهوری با هم ائتلاف دارندو...

ائتلاف در واقع توافق موقت گروه های سیاسی است که معمولاً قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی صورت می گیرد و یا در داخل پارلمان به خاطر تشکیل یا اسقاط حکومت ها شکل می پذیرد.

در این مورد بعداً بحث خواهد شد و اکنون درمورد کاربرد نادرست این کلمه در مطبوعات و رادیو ها و به خصوص در ارتباط به انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل حکومت آینده ، سخن می گوییم.

ائتلاف رئیس دولت با یک حزب و یا گروه

از ماه ها به این سو در مورد امکان و احتمال ائتلاف رئیس دولت انتقالی اسلامی با یک حزب، احزاب و گروه ها صحبت می شود و چند بار طی مصاحبه های مطبوعاتی نیز این سؤال مطرح گردیده است . حال آن که رئیس دولت یک شخص است و همچنان کاندیدای مستقل ریاست جمهوری ! بنابر این ائتلاف او با کدام گروه نه تنها معنی ندارد بلکه احتمال دارد که با یک گروه یا گروه ها و یا شخصیت ها به تفاهمات و توافقاتی دست یافته باشد و قول و قرار هایی با هم داشته باشند که به هیچ صورت نمی توان آن را ائتلاف نامید و هیچ تضمینی برای تطبیق ، رعایت و عملی شدن آن نمی تواند وجود داشته باشد.

ائتلاف کاندیداهای ریاست جمهوری

در این روز ها در پی نشست ها و تفاهمات کاندیداهای ریاست جمهوری ، سخن از ائتلاف میان این کاندیداها می رود که بازهم نادرست است زیرا اشخاص می توانند با هم دارای نظریات مشابه و موضع گیری مشترک باشند و برای رسیدن به یک هدف مشخص ، مشترکاً مبارزه نمایندکه بازهم می توان آن را تفاهم ، توافق، هماهنگی و یا اشتراک مساعی نامید نه ائتلاف.

ائتلاف یک کاندیدا با رئیس دولت

در مورد این احتمال بسیار حرف زده می شود و آن این که یکی از وزرای سابق کابینه با وجود هیاهو و سروصدا و تبلیغات پر مصرف، از مبارزهٔ انتخاباتی کنار رود و به نفع رئیس دولت کنونی از نامزدی خود انصراف نماید!

تحلیل گران براین باورند که عدم ثبات در موضعگیری ها و تصمیم گیری های شتابزده، این احتمال را قوت می بخشد و همچنین در گذشته نیز دیده شده که کاندیدای مورد نظر، پست یک وزارت را با شدت و ابراز احساسات خشمگینانه نپذیرفت ولی به زودی بازگشت و در آن مسند قرار گرفت !

هرگاه چنین اتفاقی پیش آید ، پس می توان آن را فقط انصراف نامید و نه ائتلاف!

ائتلاف در نظام پارلمانی

جایگاه اصلی و واقعی ائتلاف احزاب در نظام های پارلمانی است .زیرا در نظام پارلمانی ائتلاف ها شکل می گیردو معنی پیدا می کند، ائتلاف احزاب در اکثر موارد، باعث رویکار آمدن حکومت ها و یا اسقاط آن ها می گردد.

هرگاه یک حزب سیاسی به تنهایی نتواند اکثریت لازم کرسی ها را در پارلمان جهت تشکیل حکومت به دست بیاورد، مجبور می شود تا با گروه های دیگر ائتلاف نماید و در صورت پیروزی این ائتلاف و به دست آوردن این اکثریت کرسی های پارلمان، قادر به تشکیل حکومت می گردد و در این صورت رئیس حکومت و یا نخست وزیر از حزب قوی انتخاب می گردد و به احزاب مؤتلفه نیز در حکومت سهم داده می شود.

همچنین بسیار احتمال دارد که رقیب این ائتلاف حاکم ، نیز نه یک حزب بلکه ائتلافی از احزاب باشد که به صورت اقلیت در جایگاه اپوزیسیون قرار می گیرند. در نظام پارلمانی ائتلاف احزاب بسیار مهم و حتی در بسی از موارد برای حکومت ها ارزش حیاتی دارد . زیرا در صورت شکستن ائتلاف حاکم و جدا شدن احزاب بانفوذ از آن، حزب حاکم با خطر رأی عدم اعتماد مواجه می گردد و بدین صورت حکومت ساقط می شود. بنا بر این احزاب قدرت مند و سران آن مجبور هستند تا به قول و قرار ها و تعهدات خود در برابر دوستان ائتلافی شان وفادار بمانند ، در غیر آن حکومت شان به خطر سقوط مواجه می گردد.

ائتلاف در نظام ریاستی

در نظام های ریاستی، ائتلاف احزاب چندان نقش و اهمیتی ندارد، زیرا رئیس دولت با انتخاب مستقیم مردم تعیین می گردد و برای یک مدت معین بر سر قدرت می ماند، و اکثریت پارلمانی شرط لازم برای ادامهٔ قدرت او نیست ولی ائتلاف احزاب می تواند باعث به دست آوردن اکثریت پارلمانی گردد و طبق قانون اساسی ما در (مادهٔ شصت و چهار) تأیید و یا رد مناصب پیشنهادی رئیس جمهور یعنی رئیس و اعضای ستره محکمه ، وزرا، لوی سارنوال، رئیس بانک مرکزی ، رئیس امنیت ملی و رئیس سره میاشت ، نقش داشته باشد.

همچنین ولسی جرگه با یک طرزالعمل پیچیده می تواند طبق مادهٔ یک صد و شصت و نهم قانون اساسی با وارد نمودن اتهام ارتکاب جرایم ضدبشری ، خیانت ملی یا جنایت ، زمینهٔ عزل رئیس جمهور را فراهم نماید.

بنابر این ائتلاف گروه ها در داخل پارلمان می تواند فقط به حیث یک فشار قوی یا ضعیف بر اجرآت رئیس جمهور کار ایی داشته باشد و از همه مهمتر این که مسؤولیت رئیس جمهور در برابر ولسی جرگه در قانون اساسی تعریف نشده است و فقط به صورت گنگ و مبهم در مادهٔ مذکور به آن اشاره گردیده است.

ائتلاف گروه های معارض یا محارب

شکل دیگر ائتلاف که نمونهٔ آن بالفعل در کشور ما وجود دارد ، ائتلاف گروه های معارض یا محارب با نظام است. گروه هایی که اصلاً نظام حاکم و قانون اساسی را قبول ندارند و ائتلاف شان نیز خارج از چارچوب قانون و فقط به منظور براندازی نظام حاکم است.

ائتلاف گروه طالبان و بخشی از حزب اسلامی تحت رهبری حکمتیار از این نوع ائتلاف است . این ائتلاف، دولت موجوده را غیر قانونی می داند ، قانون اساسی را قبول ندارد و تا کنون فقط مبارزهٔ مسلحانه را به حیث یگانه راه مقابله با دولت و حضور نیروهای خارجی در کشور می داند.

دیدگاه هایی

کاندیداهای ریاست جمهوری

ملکیار

به ادامهٔ برنامهٔ اعلام خط مشی ها ، در طی هفتهٔ گذشته ، چند کاندیدای دیگر ریاست جمهوری نیز در صفحهٔ تلویزیون دولتی افغانستان ظاهر شدند و به توضیح دیدگاه ها و خط های مشی خویش پرداختند.

کسانی که در این هفته خط مشی شان را اعلام کردند، باز هم در بسیاری از موارد، برنامه هایی باهم مشابه داشتند. آنان توجه جدی در عرصه های تأمین امنیت، بازسازی، توسعهٔ زراعت، بلند بردن سطح تعلیم وتربیه، بهتر ساختن بهداشت، رعایت حقوق زنان و چند مورد دیگر را در اولویت های کار دولت آیندهٔ خود قلمداد نمودند.

●●●

وکیل منگل کاندیدای ریاست جمهوری در خط مشی خود بر توازن، بین قوای سه گانه تأکید نمود و گفت:توازن و همکاری بین قوای ثلاثهٔ دولت، شرط مهم تأمین دموکراسی است.

بناءً به ولسی جرگه شخصیت هایی را به حیث وزرا، رؤسا و قضات پیشنهاد خواهم کرد که دارای تحصیلات عالی، کارشناس، عادل و صادق به منافع ملت باشند.

همچنان آقای منگل یاد آور شد که رشد متوازن زبان و فرهنگ اقوام و ملیت ها که اصل دولت داری را تشکیل می دهد از طریق آموزش اطفال به زبان های مادری آنها صورت خواهد گرفت.

●●●

عبدالستار سیرت یکی دیگر از کاندیدا های ریاست جمهوری گفت:

گر چه اجرآت خلاف قانون و تشبثات مبنی بر استفاده از امکانات دولتی و عهدهٔ رسمی به نفع یک کاندیدای معین ادامه دارد و آزادی انتخابات و تساوی حقوق را زیر سوال می برد اما انتظار مردم ما به این عملیهٔ ملی، ما را وا داشته است تا در پهلوی اقدامات حقوقی و سیاسی، آرزوی ملت محبوب خود را احترام نماییم. و حتی الامکان در اجرای این تجربهٔ سیاسی نقش داشته باشیم.

آقای سیرت در گفته های خود از مواردی مانند دستبرد اشخاص دولتی در قانون اساسی، تمدید دورهٔ حکومت انتقالی وتأخیر انتخابات شورای ملی یاد نمود و آن را مغایر قانون خواند.

●●●

خط مشی **سید عبدالهادی دبیر** کاندیدای دیگر ریاست جمهوری توسط داد محمد بیداد معاون اول او اعلام شد.

در خط مشی او از مواردی مانند از بین بردن فساد اداری، اطاعت از احکام دین، شایسته سالاری، تعلیمات جبری ابتدایی و ختم بیکاری نام برده شده است.

او هم چنان خاطر نشان ساخت که در صورت پیروزی، قوای خارجی را از افغانستان خارج خواهد کرد.

عبدالهادی خلیل زی کاندیدای ریاست جمهوری در خط مشی خود، روی موضوعات اقتصادی و فرهنگی بیشتر تأکید نمود و گفت:

معادن و جنگلات سرمایهٔ افغانستان بوده که از آن در آینده به شکل درست استفاده خواهیم نمود. او افزود که در صورت پیروزی، تفاوت معارف بین شهر و ولایات را تا دور ترین نقطهٔ کشور از بین خواهد برد.

●●●

خط مشی عبدالرشید دوستم کاندیدای ریاست جمهوری توسط معاون اولش خانم شفیقه حبیبی ارائه گردید.

ص۵

د ټول ټاکنو په باب څو خبري!

زکو خیل

ټولو ته څرګنده ده، چې په دي شپو ورځو کی له یوي خوا دهیواد د پراخو پرګنو او له بله پلوه د کورنیو او بهرنیو خپرندویه وسایلو او مطبوعاتو په ډګر کي دجمهوري ریاست د ټول ټاکنو په اړوند تودي او ګرمي خبري اتري دي، په دي اړوند د اولس اندیښنه داده، چې څوك به زموږ د وران ویجاړ او ځوریدلو خلکو د جمهور رئیس په توګه وټاکل شي؟!

دهیواد د اوسیدونکو پرګنو(ورو . زړو) هیله داده چې، یو داسي جمهور رئیس ولري چې د دي رنځور اولس له دردونو او کړاوونو څخه لرو ډیرمعلومات ولري چې د دوه نیمو لسیزو په موده کي یي یو څه ستونزي لیدلي او ګاللي وي. خیني نور بیا اندیښنه لري چې دټول ټاکنو په وخت کي ستونزي رامنځ ته نه شي او دعا کوي، چې خداي"ج" دي وکړي، چې ټول ټاکنی په خیر سره تر سره شي. له دي ویریږي خداي مه کړه چې د تیرو لسیزو ناورین په دي ځوریدلي او ناروغ اولس یوخل بیا راستون نه شي.

له بله پلوه دجمهوري ریاست دټول ټاکنو په اړوند د مطبوعاتو او مطبوعاتچیانو ترمنځ بازار ګرم دي خیني خپرندویه وسیلي غواړي دمطبوعاتو له آزادي او دموکراسي په اوریدو سره هرڅه، چې غواړي خپاره کړي او له دي لاري خپل ځاي او مقام خلکوته ور وپیژني

په هر صورت اوس، چې د جمهوري ریاست ټول ټاکنو ته ګوتي په شمار ورځي پاتي دي، موږ د خپرندویه وسیلو له چلوونکو په ډیر درناوي هیله لرو، چې په دي حساسو. نازکو او برخه لیك جوړونکو شیبو کي یو څو ټکي له پامه و نه غورځوي

لومړي دا چې په خپل تبلیغ او پرو پاګنده کي د مخالف لوري په خلاف هم له هغي لیکنو ډډه وکړي چې د ژورنالیزم له سپیڅلي دندي او د ژورنالیست له ټولنیز مقام او شخصیت سره ډډه نه لګوي

۶مخ

خنده یی سرد

نیما یوشیج

صبح گاهان که بسته می ماند
ماهی آبنوس در زنجیر،
دم طاووس پر می افشاند،
روی این بام تن بشسته ز قیر
***

چهره سازان این سرای درشت،
رنگ دان ها گرفته اند به کف
می شتابد د دی شکافته پشت،
بر سرِ موج های همچو صدف
***

خنده ها می کنند از همه سو،
بر تکاپوی این سحر خیزان
روشنان سر به سر در آب فرو،
به یکی موی گشته آویزان
***

دلربایان آب بر لب آب
جای بگرفته اند
رهروان با شتاب در تک و تاب
پای بگرفته اند
***

لیک بادِ دمنده می آید،
سرکش و تند
لب از این خنده بسته می ماند
هیکلی ایستاده می پاید
***

صبح چون کاروانِ دزد زده،
می نشیند فسرده
چشم بر دزدِ رفته می دوزد
خنده یی سرد را می آموزد

دعا کن

جمال عبدالناصر اخند زاده

دعاکن پرنده !که باران بیاید
به شهر و دیارم بهاران بیاید
دعاکن پرنده! که یک آسمان ابر
به دیدار این دشت ویران بیاید
سیاهی بمیرد ، سحر جان بگیرد
و خورشید خوب درخشان بیاید
دعاکن که دستان پر مهر مادر
به امداد این چشم گریان بیاید
دعا کن که برقی پر از شادی و شور
به چشمان امیدواران بیاید
دعاکن ، دعاکن ، دعاکن ، دعاکن
دعاکن پرنده !که باران بیاید

بود یا نبود

محمد واعظی

شاعر از تمام بود و یا نبود خود گذشت
از کتاب و زنده گی و صبح زود خود گذشت
ازسلام ، از نگاه های شهر خسته بود
از پیاده رو ، رفیق ، از وجود خود گذشت
اشتیاق یک سفر بنشسته بود در دلش
از میان دره هاو چشم و رود خود گذشت
شب کنار خاطرات خود نشست و شعر خواند
بیصدا گریست از شب کبود خود گذشت
آن طرف نگاه کرد دختری و دارو نخ
مثل سایه از تمام تار و پود خود گذشت
سنگ زد تمام نقشهای مرده را و بعد
باز شعرو...بین دفتر سرود خود گذشت

محموله های خالی

عبدالشکور شریفی

گفتند خرابه ها همه اعمار می شود
کاری برای این همه بی کار می شود
در پای آن تموز تب آلود وقهقرا
این جا بهار، قافله سالار می شود
برآسمان کوچک شب های بی فروغ
یک آسمان ستاره پدیدار می شود
باران به روی آبله های پرند باغ
محموله های مرهم وتیمار می شود
آسودگی زساحت جنگل گذشتنی است
وقتی که آب، تلخ وتبه کار می شود
آسودگی حضور ضعیف جوانه یی است
کز سوی باد دمبدم اخطار می شود
دانم که باد می وزد وذهن سبز باغ
آبستن ترانۀ جوبار می شود
حیف است حیف، این که در این بیشه تاهنوز
بازی به خون سرخ سپیدار می شود
آزادی کودکی است که هر روز بی گناه
پیش از بلوغ مسخره بردار می شود
آیا به این قبیلۀ محروم و بی نوا
دستی ز آستینی مددگار می شود؟!
غیر از شعار چیست عمل کرد مهتران
غیر از متاع وعده چه بازار می شود
محموله های خالی، از وعده وشعار
هر روز روی شانۀ ما بار می شود

خانهٔ خورشید

عبدالغفور آرزو

نگاه سبز تو بر لوح سینه می ماند
سرود مهر تو در آبگینه می ماند
شب شکفتن عید محبت است امشب
بیا به بزم وفا ورنه کینه می ماند
شراره می چکد از شط موج خیز سحر
به کوچه های ادب سوز سینه می مند
مپیچ در نفس تنگ و پاشکستۀ عقل
زعشق گوی که تا واپسینه می ماند
سخن جوانۀ عشق است در مزارع نور
بهوش - در کف طبع تو پینه می ماند
هر آنکه گنج ادب دارد وخصایص دیو
به مار خفتۀ روی خزینه می ماند
نگر به همت والای طبع من ای دوست
به بام خانۀ خورشید زینه می ماند
حدیقۀ سخنت آرزو شکوفا باد
کلام نغز تو خوب و بهینه می ماند

ښاغلي کمین او دهغه تلوسی

ش - زیارمل

برکت الله کمین د مرحوم عبدالرحیم زوي په 1307 لمریز کال دننګرهار ولایت د سره رود په چارباغ صفا کي دنیا ته راغی او په 1322 کال ئي په شعر ویلو پیل کړي دده شعر په ځواني کي په عشقي نغمو شروع شوي چي وروسته ئي په شعر کي تجمل او ښکلا تبارز کړي او کمال ته رسیدلي دي. چي په کلاسیکو استادانو کي دحمید مومند د سبك پیرو دي.

کله چي د ده شعر په عشقي خوا کي د خوندورو او نازکو تشبیهاتو، استعاراتو او رنګینو خیالاتو په وجهه دکیفیت او خوند لوړي مرحلي ته رسیږي دده خپل ذهن او فکر، نظر او هیله، احساسات او عواطف هم یو ډول پوخوالي او دولس سره نږدي والي پیدا کوي او دده په شعر کي د ګل او بلبل او خیالي معشوقي د انځور پرځاي دخوار او نیستمن، بزګر او کارګر دکړیدلي ژوند تصویرهم ځاي پیدا کوي او په دي برخه کي له سوز او درد نه ډك شعرونه وائي.

دهیواد مینه، دپښتو او بلوڅو ورونو د حق د سرنوشت هیله، دخلکو دښه ژوند ارمان او داسي نور ټولنیز او ملي موضوعات د ده دشعر موضوع ګرځي.

کله چي دښاغلي کمین په شاعرۍ کي دشاعرانه موهومي لیلا دفراق درد او سوز دافغاني ټولني دخوارانو او غریبانو د ژوند له دردونو سره غبرګیږي نو دده داشعارو جمال په یو داسي کمال بدلیږي چي د خلکو په زړونو کي رڼائي او صفائي پیدا کوي او ولسي هنرمندان ئي د موسیقي له خوندورو څپو سره یوځاي کوي.

دښاغلي کمین داشعارو په دي مجموعه کي چي تلوسي نومیږي دده د شاعرۍ د ټولو دورو بیلګي شته خودائي ټول شعرونه نه بلکي یوه برخه ده چي اکثره ئي دهیواد د ډله ییزو اطلاعاتو په وسایلو کي چاپ شوي دي، دا دي دلته د دغه خوب ژبي شاعر د شعر یوه ښکلي نمونه تاسو ته وړاندي کوم:

زما آرزو

چي سودا دوطن نه لري په سرکي
نو کارغان دي په هغو مغزو وماړه شي
چي ملي شرف قربان ترخپل هوس کا
نه ئي غواړم چي هغه ځوانان زاړه شي
دقصاب په چنګك ئي غواړم غوړي غوښي
لکه ګډي چي تیار په تش خواړه شي
چي ملته سره لوبی دوړوکا
زر تر زره دي هغه لویان واړه شي
چي ئي ویني دغریب او خوار تیریږي
غوڅ دي دغه شانته ستوني په چاړه شي
چي ملي مینه ئی زړه کي په غورځنګ وي
رب دي نه کړي چي هغه جذبات ساړه شي
دانسان سره چي چاري دلیوه کا
په لیوانو دي پخپله وداړه شي

برکت الله کمین

مسؤولیت دولت در

مبارزه با مفاسد اخلاقی و اجتماعی

اعزامی

از مدتی به این سو از طریق رسانه ها می شنویم ومی خوانیم که مقامات دولت اکیداً به مردم اطمینان می دهند که در رابطه به مسألهٔ جلوگیری از مفاسد اجتماعی واخلاقی، دولت بی تفاوت نمی ماند و در این زمینه به اقدامات جدی متوسل خواهد شد. دادن چنین وعده هایی از زبان مقامات دولت، نوعی طفره روی پنداشته می شود، زیرا در جامعه یی که مردم آن مسلمان بوده و برای حاکمیت ارزش ها واصول اسلامی به جهاد متوسل شده اند و با دادن یک و نیم میلیون شهید وتحمل صدها مصیبت جانکاه دیگر با دشمنان داخلی وخارجی دست و پنجه نرم کرده اند، مبارزه با مفاسد اجتماعی واخلاقی چه معنایی دارد؟ در این دولت نباید نگرانی مردم بیشتر از همه از گسترش مفاسد اجتماعی واخلاقی ناشی شود. ظهور مفاسد اخلاقی در دولت کنونی در حقیقت پشت کردن به شعارهای دوران جهاد است. آنچه که این دولت باید از گزند آن تاسالیان درازی بیمه شده باقی می ماند، ولی متأسفانه برعکس در نخستین سالهای دولت انتقالی اسلامی این بلای کیان برانداز، در تار و پود جامعه رخنه کرده و اسباب نارضایتی مردم را فراهم نموده است.

آنچه که در این مقال می خواهیم روی آن بحث کنیم، این است که برای به کار بستن دساتیر و فرامین مقامات بالای دولت در جهت زدودن جوانه های فساد، کدام ارگان ها و نهادهایی مسؤولیت وظیفه یی دارند تا به مدد وهمکاری آنها، مردم برای امحای ریشه های فساد دست به کار شوند؟!

نیرو های امنیتی، پلیس، اردو، ستره محکمه، ارشاد و اوقاف، اطلاعات وفرهنگ، شورای علما، اتحادیهٔ جوانان؛ بالآخره کدام یک مسؤولیت مستقیم وکدام ها مسؤولیت جانبی وغیر مستقیم جلوگیری از مفاسد را دارند، تا مردم نیز به سهم خویش به مدد آنها شتافته، رسالت دینی و اجتماعی خویش را انجام بدهد! نگارنده یکبار دیگر نیز برای امحای مفاسد اداری از ادارات دولتی و غرض ایجاد رفورم در دستگاه های دولت تحت عنوان «بورو کراسی آفت نظام» به کمیسیون اصلاحات اداری یاددهانی کرده بود که کار کمیسیون اصلاحات اداری تنها استخدام کارمند واندازه گیری طول قد وقطر گردن ماموران عالی رتبهٔ دولتی نیست، بلکه این کمیسیون باید نخست خودش الگوی تمام عیار اصلاح باشد، وبعد با پالایش وتزکیهٔ کارمند متعهد، کاردان ومجرب، در صدد اصلاح درسایر ادارات بر آید.

شگفت آور است درجامعه یی که مردم آن دونیم دهه برای حاکمیت ارزش های اسلامی وفضائل اخلاقی و زدودن مظاهر فساد جهاد ومبارزه کرده اند، امروز در اداراتش رشوت بیداد کند وکسی برای حسابدهی پول های امدادی بین المللی حاضر نشود! ضروریات اخلاق اسلامی در شهر وبازار ودفاتر رعایت نشود و به بهانهٔ دموکراسی هرکسی را بگذارند، هرچه دلش خواست انجام بدهد! فیلم های ویدیویی مستهجن وعکس های عریان در سر هر کوچه و بازار به نمایش گذاشته شود وحتی اخلاق عابر ان از دیدن وشنیدن آنها جریحه دار شود!

مثال های بالا، مظاهری از ده ها مورد فساد اخلاقی و اجتماعی است که جامعهٔ ما امروز به آن مبتلاست واگر راه و چاره یی برای جلوگیری از گسترش آن اتخاذ نشود، شاید فردا با صرف هزینه های کلان هم نتوانیم آن را مهار کنیم. من به اولیای امور گوش زد می کنم که در هیچ زمان ومقطعی حتی حالات اضطراری و فوق العاده نیز توجه شان را از مبارزهٔ پی گیر و دوامدار علیه مفاسد اجتماعی واخلاقی منحرف نکنند و با ادامهٔ یکسری طرح ها وراهکارها وتشکیلات منظم وفعال، تلاش هایی دوامدار وبلاانقطاع را در این جهت به کار گیرند. اجراات دست اندرکاران را گاه نا گاه کنترل و نظارت کنند و از آن ها گزارش کار بخواهند وبعد نتایج آن را درجامعه ببینند که چه اثراتی به جا گذاشته ومردم عامه در مورد کار ادارات مسؤول چه قضاوت می کنند؟ زیرا همین مفاسد اند که سریع تر از آفت دیگری دامن گیر دولت ها می شوند.

در این شکی نیست که مبارزه با مفاسد اجتماعی واخلاقی کار یک فرد ویا یک ارگان نیست همه افراد جامعه وهمه ارگان ها باید دست به دست هم بدهند وبرای انقلاع این پدیدهٔ شوم بذل مساعی کنند، ولی بایست فردی و یا نهادی مشخص شود که مسؤولیت ایجاد هماهنگی ونشان دهی استقامت های کاری سایر ارگان ها را در این فرایند به عهده بگیرد تا همه اشخاص وارگان ها با ندانم کاری ها از زیر بار مسؤولیت فرار نکنند! مبارزه با مفاسد اجتماعی واخلاقی به عبارهٔ دیگر همان وجیبهٔ امر به معروف و نهی از منکر است و دولت مکلف است برای استحکام پایه های اخلاقی خود، از اهتمام به این وجیبه غفلت ننموده ومردم وحکومت را متوجه تکالیف شرعی و قانونی شان سازد.

اصول اخلاقی و هنجارهای اجتماعی در یک جامعهٔ اسلامی، عبارت از همان ارزش ها وقواعدی اند که تهداب دولت انتقالی اسلامی روی آنها گذاشته می شود واگر امروز این تهداب با عیب ونقص گذاشته شد، بدون شک اثرات سوء و ناگوار آن فردا محسوس خواهد بود و دولت برای جبیرهٔ آن خسارت بزرگی خواهد پرداخت. امروز که هوش و گوش دست اندرکاران را هوا وهوس کسب قدرت وشکست دادن حریفان درمیدان مبارزهٔ انتخاباتی، به خود مشغول داشته وبرای آنها مجال اندیشیدن در این راستا کمتر میسر است، شاید این مسأله را دست کم بگیرند، ولی یقیناً فردا که جوش و خروش مبارزهٔ انتخاباتی فروکش کرد خیالات و تصورات دیگری دل و دماغ مسؤولان را می پوشاند و باز هم فرصت پرداختن به این مسائل را نمی یابند نهایتاً وقتی متوجه شوند که زمان ماموریت شان به پایان رسیده و دستاورد دولت آنها غیر از یکسری و عده های غیر عملی و نهی از ناهنجاری های اجتماعی و اخلاقی چیزی دیگر نبوده است.

علما، فرهنگیان ، منفکران و جوانان اعم از زن و مرد، رسالتی بزرگ در جهت اشاعهٔ فضایل اخلاقی بر مبنای آموزه های دینی دارند، اقشار نامبرده در حقیقت گروه های فشار علیه دولت اند تا هر یک به سهم خود، به طور جدا گانه و گاهی هم به مشارکت همدیگر بر دولت فشار بیاورند تا برای زدودن رذایل مفاسد اقدام نمایند. اگر تلاش و تحرک خستگی ناپذیر اقشار متذکره نباشد هیچ ارگان دولتی از بالاترین مقام گرفته تا پائین ترین آن احساس مسؤولیت نمی کنند و یا حد اقل در این عرصه با کندی عمل می کنند. علما، جوانان و متفکران جامعه که در حقیقت اقشار مسؤول در این مسأله اند، با یک ملاقات و یاد آوری سرسری به اولیای امور نباید اکتفا کنند، بلکه برای به کرسی نشاندن حرف های خویش تا حدی پافشاری و تأکید کنند که ارباب اقتدار مجبور شوند پیشنهادات آنها را جامهٔ عمل بپوشانند و تمامی مظاهر فساد و بد اخلاقی را از جامعه برچینند.

آگاهان جامعه تنها حامل پیام فساد زدایی نباشند، بلکه به مجرد زدودن فساد طرحهای جایگزین داشته باشند تا مردم خاصتاً جوانان بدیل فساد را در جان خود ببینند و با محو رذیلت کام شان با ثمرهٔ گوارای فضیلت شیرین شود و به این وسیله از دل و جان پذیرای پیام جدید آنها گردند.

باید توجه به این مسأله را ضامن حفظ استقلال، استحکام حاکمیت سیاسی، تمامیت ارضی وتأمین وحدت ملی به حساب آوریم و از جملهٔ اولویت های کاری خود بگردانیم.

تمامی جوامع خصوصاً جوامع اسلامی فقط از راه گسترش فضایل اخلاقی، رعایت هنجارهای اجتماعی و رشد روحیهٔ قانون مندی می توانند، نردبان پیشرفت وترقی را بپیمایند وبه قله های شامخ تمدن، رفاه وسعادت دست یابند. همچنان بزرگ ترین خطری که کیان وجودی این جوامع را تهدید کرده و درنهایت آن را به انقراض سوق می دهد، بازهم نبود فضایل اخلاقی وگسترش مفاسد اجتماعی می باشد. در طی سه دههٔ گذشته هم وطنان ما، این جریان را به خوبی تجربه کردند و به چشم سر دیدند که چگونه زیر پا کردن ارزش های اخلاقی، به آنها بدبختی وبرعکس تمسک به آنها، به ایشان افتخار وعزت بخشید؟!

تجربهٔ گذشته را که تازگی خاطرات آن هنوز فراموش مان نگردیده، لازم است آویزهٔ گوش و یادوارهٔ هوش مان کنیم وهریک به نوبهٔ خود در صدد پیاده کردن این دستور الهی در زندگی عملی خود باشیم که به ما فرموده است: (الذین إن مکناهم فی الأرض اقاموا الصلوه وآتوا الزکاه وأمروا بالمعروف ونهوا عن المنکر)

"آنهایی که اگر در زمین تمکین واقتدار شان بدهیم، نماز را بر پا کنند، زکات را بپردازند، به معروف امر کنند و از منکر نهی نمایند."

این دستور الهی چنان جامع، واضح وکامل است که کوچک ترین شبهه ومنفذی برای بیمار دلان و فرار کنندگان از مسؤولیت نمی گذارد تا با بهانه جویی وطفره روی از زیر بار رسالت سنگین الهی شانه خالی کنند و به این ترتیب یک بار دیگر لشکر رذایل ومفاسد باهجوم بی رحمانه اش فضایل، هنجارها وافتخارات مان را تار ومار کند.

> **من به اولیای امور گوش زد می کنم که در هیچ زمان ومقطعی حتی حالات اضطراری و فوق العاده نیز توجه شان را از مبارزهٔ پی گیر و دوامدار علیه مفاسد اجتماعی واخلاقی منحرف نکنند و با ادامهٔ یکسری طرح ها وراهکارها وتشکیلات منظم وفعال، تلاش هایی دوامدار وبلاانقطاع را در این جهت به کار گیرند.**

دیدگاه هایی از ...

او وعده داد که دوستم در صورت پیروزی معاشات ماموران را بالا می برد و به حقوق تمام اقوام کشور ارج می گذارد.

نامبرده گفت: همان گونه که مردم زعیم خود را به اساس انتخابات تعیین می کنند به ولایات کشور نیز این حق داده خواهد شد تا والی یا ولسوال خود را به اساس آرای مردم خود تعیین کنند و این حق را در دولت آیندهٔ خود تحقق خواهیم بخشید وی اضافه نمود:

دولت های گذشته منابع افغانستان را به فروش می رسانیدند در حالی که این سرمایهٔ همهٔ مردم افغانستان است و خود افغان ها باید از آن استفاده نمایند بناءً اولین اقدام ما تمدید لوله های گاز به ولایات مرکزی، جنوبی و جنوب غربی کشور خواهد بود.

●●●

همایون شاه آصفی کاندیدای ریاست جمهوری گفت:

در شرایط کنونی تأمین امنیت ضرورت مبرم جامعهٔ ماست که بدون همکاری مردم، نایل شدن به این هدف ناممکن می باشد و این همکاری وقتی میسر است که مردم بالای حکومت و حکومت بالای مردم اعتماد و اتکا داشته باشد که متأسفانه در حکومت موجوده این اعتماد متقابل وجود نداشته و فاصله بین آنها روز به روز بیشتر می شود، ما در حکومت آیندهٔ خود شرایط این همکاری متقابل را مساعد خواهیم ساخت.

●●●

دکتر غلام فاروق نجرابی کاندیدای ریاست جمهوری در خط مشی خود از استقلال فکری، رایگان بودن تحصیل تا سویهٔ ماستری، محو فساد اخلاقی و اداری و از بین بردن تعصب میان افغانها سخن گفت.

●●●

مسعوده جلال نامزد مستقل انتخابات ریاست جمهوری با اعلام برنامه های دولت آینده اش از مردم خواست تا به شخصی رأی دهند که در راه استقرار و گسترش نظام قانونی کار می کند.

خانم جلال وعده سپرد که اگر مردم به او رأی دهند بنیاد حکومتی بر اساس قانون در افغانستان را می گذارد. او مشارکت اقوام و نهاد های سیاسی واجتماعی را برای تشکیل یک حکومت مردمی شرط اساسی خواند و علاوه نمود که برای بهبود اقتصاد کشورش اولویت ها را تشخیص داده و سعی می نماید تا باطرح های دقیق و عملی نیاز کشور را مرفوع نماید.

●●●

محمد یونس قانونی یکی از کاندیداهای پر آوازهٔ ریاست جمهوری با اعلام خط مشی خود از افغانستان پس از انتخابات، به نام افغانستان نوین نام برد و گفت:

ما در دولت آینده سه شاخص اساسی را در نظر می گیریم. که عبارت از اسلام، ثبات و امنیت می باشد.

آقای قانونی افزود که اگر وی انتخاب شود حضور نیروهای خارجی در افغانستان را قانون مند خواهد ساخت و هم چنان جایگاه مجاهدین را در دولت آینده مشخص خواهد نمود.

آقای قانونی در سخنان خود در پیرامون دولت آیندهٔ خویش بر اصل مردم سالاری تأکید نمود و گفت:

ما دولتی را ایجاد خواهیم کرد که در مقابل ملت جواب گو باشد و فساد اداری را از بین مقامات دولتی محو خواهیم نمود . هم چنان آقای قانونی یاد آور شد که او در حکومتش زمینهٔ تحصیل را برای مجاهدینی که از تحصیل بازمانده اند فراهم خواهد نمود و تبلیغاتی را که علیه آنها جریان دارد از بین خواهد برداشت.

خشم کاندیدا شدن و ایمان آوردن!

وحید مژده

> **من در حضور یک جمع صد نفری ایمان خود به اسلام را اعلام نموده ام و سوگند خوردم که راست می گویم. بنابراین سخن خود را پس نمی گیرم**

آخرین دور از محاکمهٔ جاناتا ایدیما و یارانش متهمان به داشتن زندان شخصی که به صورت علنی در محکمهٔ ابتدایی جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی صورت گرفت، به واقعه یی عجیب منجر شد؛ ایدیما در جریان محاکمه از قاضی دادگاه تقاضا نمود تا وی را برای اثبات گفته هایش سوگند دهد. قاضی در جواب گفت که ما مسلمانان را به قرآن قسم می دهیم، او گفت که من هم به قرآن سوگند می خورم. قاضی گفت تو مسلمان نیستی و ایدیما به صدای بلند گفت: لااله الاالله محمد رسول الله. اعلام اسلام آوردن او با فریاد های تکبیر حاضران بدرقه شد.

آیدیما در طول جریان محاکمه که هفته ها به طول انجامید، مدعی شد که از طرف مقامات پنتاگون و سی آی ای برای کار در افغانستان وظیفه داشته و اقدامات او برخلاف ادعای سارنوال موظف اقدامی شخصی نبوده است. ایدیما در این رابطه فیلم های ویدئویی فراوانی نیز به عنوان مدرک در اختیار داشت اما این مدارک مورد تایید مقامات امریکایی و در نتیجه مورد قبول محکمه قرار نگرفت. ایدیما به وضوح اظهار نمود که علت این که مقامات امریکایی رسمیت کارهای وی در افغانستان را تایید نمی کنند این است که او هوادار جبههٔ متحد است در حالی که وزارت دفاع امریکا می خواهد تا فرماندهان جبههٔ متحد همه خلع سلاح و خلع قدرت گردند. در مقابل نیرویی متشکل از اقوام پشتون و عمدتا طالبان در کنار کرزی قرار گیرند و از وی دفاع نمایند.

افشای این راز و ادعای ایدیما برای مسلمان شدن، هرچند موجب تخفیف در مجازات وی نشد ولی نشان داد که خشم از مقامات امریکایی و روحیهٔ انتقام گیری دراین تصمیم او بی نقش نیست. لازم به تذکر است که قبل از ایدیما، دوست و همکار او ادوارد کارابولو که باوی یکجا و به عین جرم زندانی است درملاقات با یک وکیل مدافع افغان از تمایل خود برای مسلمان شدن سخن گفته بود. البته کارابولو شخصی باسواد و کتاب خوان است و در زندان هم مشغول مطالعه در مورد اسلام می باشد اما از جاناتا ایدیما این کار واقعاً غیر منتظره بود. او مدعی بود که برای مبارزه با تروریسم و القاعده به افغانستان فرستاده شده است اما او امروز به همان دینی ادعای ایمان می کند که اسامه هم به آن ایمان دارد. آیا عجیب نیست؟

روحیهٔ خشم و انتقام گیری گاهی می تواند چنین تأثیراتی داشته باشد اما خدا! کند که این ادعای ناشی از خشم به ایمانی ناشی از یقین مبدل گردد. همین دعا را برای بعضی از کاندیدا ها هم داریم که از روی خشم و با روحیهٔ انتقام گیری از کرزی به صف کاندیداها پیوستند ولی دیده می شود که کم کم از این کار، دچار پشیمانی شده اند!

شنیدیم که فلان شخصیت بالارتبهٔ دولتی از آقای کرزی ناراحت شد و از بی توجهی او شکوه سرداد. اما آقای کرزی که با هرفرد یا گروهی به میزان نفوذش در میان مردم معامله می کند، به دقت تشخیص داد که کسانی هستند که دیگر به درد بخور نیستند و ملت اعتماد سابق را به آنان ندارد. همان بود که زمینه طوری فراهم آمد که یکی بعد دیگری دچار خشم شدند و بهترین راه انتقام گیری را در قرار گرفتن در صف مقابل کرزی در مسابقهٔ انتخاباتی یافتند. مردم نیز با تمایلی توأم با احتیاط از این کار آنان استقبال کردند.(کم احساس تر از نعره های تکبیری که به دنبال اعلام ایمان ایدیما سرداده شد) عکس های آنان در هرکوی و برزن آویخته شد تا دموکراسی را شاهدی باشد.

اما اکنون شنیده می شود که یکی از بزرگان که در بستن و شکستن یا به قول اردو زبانها (جور- تور) یدی طولا دارد، از این دوستان نزد جناب کرزی به وساطت پرداخته و گفته است که آن خاطر آزرده ها اکنون برسر عقل آمده و قصد جبران مافات دارند. آنان حاضرند در صورتی که جو و علف اسب شان همچنان در کمند سرکاری حواله باشد، از کاندیدا شدن دست بردارند و هرچه سرکار فرماید همان کنند. به قول شاعر:

از طلا گشتن پشیمان گشته ایم
مرحمت فرموده مارا مس کنید!

جناب کرزی نیز با این شرط این معامله را پذیرفته است که بایست این دفعهٔ آخر این آقایان باشد که خشمگین می شوند. و همچنان دفعهٔ آخر این وسیط بزرگوار باشد که از چنین دوستان کم خاصیت وساطت می فرمایند. میانجی محترم هردو شرط را اصالتاً از طرف خود و وکالتاً از طرف خاطر آزرده ها پذیرا شده است و امید است که کار با خیریت به سرانجام برسد.

جالب اینجاست که آقایان آزرده خاطر به خاطر این که جوابی به مردم داده باشند و خود را از طعن و لعن ملت برهانند در اینجا و آنجا به صورت خصوصی گفته اند که ما از طرف خارجی ها تحت فشار قرار گرفته ایم که از کاندیدا شدن در برابر آقای کرزی دست بردار شویم.

نگارندهٔ این سطور که همانند اکثریت این ملت عمری از درد اختلاف شکوه داشته است، این اقدام بزرگوارانه در میانجی گری را به دیدهٔ قدر می نگرد و از میانجی محترم صمیمانه تقاضا دارد تا از مهارت خویش در میانجی گری در جهت حل مشکل جک ایدیمای مادر مرده که اکنون به ده سال زندان محکوم شده است نیز بهره گیرد.

آن بزرگوار می تواند همین وساطت را در مورد ایدیما نیز بنماید و به امریکایی ها بگوید که ایدیما اکنون برسر عقل آمده و اقدام وی در اعلام مسلمان شدن ناشی از خشم و تصمیم آنی وی ناشی از آن بوده است که شما وی را فراموش کردید و او نیز چنین کرد. اگر مقامات پنتاگون در رهایی وی همکاری کنند. او به دین سابق باز خواهد گشت و به جبران مافات چندین زندان خصوصی دیگر نه تنها در کابل که در شهر های دیگر افغانستان نیز دایر خواهد نمود!

اما این سخن من شاید نمایانگر تمایل جک ایدیما نباشد. شاید او در جواب میانجی محترم برای وساطت بگوید که من در حضور یک جمع صد نفری ایمان خود به اسلام را اعلام نموده ام و سوگند خوردم که راست می گویم. بنابراین سخن خود را پس نمی گیرم. من این بی ایمانی را نخواهم کرد که به مردم قول بدهم و بعد به خاطر منافع شخصی آن را زیر پا بگذارم! و بعید نیست که بگوید من زندان را به آنچه که مرا به آن فرا می خوانید ترجیح می دهم!

دځینو امریکائی ورځپاڼو تبصری

د واشنګټن پست و رځپاڼي پخپلې یوې تازه ګڼې کې دولس مشر کرزي د انتخاباتي کمپاین او هغه ستونزي او ناخوالي چې دغه کمپاین ورسره مخامخ دي یو لړ تبصره کړي چې ځني غټ ټکي ئي قدرمنو لوستونکو ته وړاندي کوو.

ورځپاڼي ډیری هغه ستونزي چې د حامد کرزي انتخاباتي مبارزه ورسره مخامخ ده څېړلي او دهغو له جملې څخه ئي دولس مشر کرزي سفر د پکتیا ولایت ته او په نوموړي ولایت کې د ده دسورلي په الوتکه باندي د راکټي برید په باب څرګندوني کړي واشنګټن پست لیکي دګردیز په ښارکي دولس مشر کرزي پر الوتکه ډزي د دي خبري ښکارندوي دي چې کرزي به ونه شي کړاي لکه د نورو کاندیدانو په شان په آزاده توګه دهیواد ولایاتوته سفر وکړي او خلکو ته خپل تګګ لاره او راتلونکي پروګرامونه بیان کړي.

ورځپانه وائي: که کرزي ونه شي کړاي چې له کابل نه بهر ولایاتوته سفرونه وکړي نو کیداي شي چه دده مرستیالان هریو خلیلي او احمدضیاء مسعود ددي کار کولو ته وګمارل شي ورځپاني دهمدي مقالي ترځنګ دیوې ماشومي نجلي تصویر چاپ کړي چي په لاس کي ئي دکرزي عکس او دده ښه راغلاست ته ولاړه ده خو راکټي بریدله امله دغي ماشومي ونه شواي کړاي چي ولس مشر له نږدي څخه وګوري او له ده څه واوري.

همدا راز یوي بلي ورځپاني نیویارک تایمز له افغاني زندانیانو سره په افغانستان کي د امریکائي سرتیرو دناوړه چلند په باب لیکي: په 2002 میلادي کال دبګرام په پوځي اډه کي دوه تنه افغاني بندیان ددغه نظامي اډي د رئیس جمز بولان لخوا د شکنجي او وهلو ټکولو له امله و وژل شول چي کابل کي امریکائي مقاماتو دغه وژنه یو طبیعي مرګ وباله خو وروستي تحقیقات دا په ډاګه کړه چي دوي ترشکنجي او وهلو ټکولو لاندي خپل ژوند له لاسه ورکړي دي.

کارلوتاګل او دیوید راهوت د پورتني مطلب لیکونکي وائي: دامریکا د پوځیانو چلند د بغداد او ابو غریب په زندانونو کي کټ مټ هغه چلند ته ورته دي کوم چي په قندهار او بګرام کي ترسره کیږي خو فرق په دي کي دي چي تر اوسه په افغانستان کي دامریکائي بندي خانو عکسونه نه دي اخیستل شوي او دغه ټکان ورکوونکي تصویرونه لاته دي خپاره شوي.

اوضاع سیاسی کشور و نقش بدخشانیان ...

هر یک از سخنرانان به برخی از مشکلات اداری و اجتماعی بدخشان اشارت کردند و به سهم گیری فعال مردم بدخشان در روند فعالیت های سیاسی، اجتماعی در سطح کل کشور تأکید ورزیدند و خواستار آن شدند که دولت آینده سهم شایستهٔ بدخشان را در همه عرصه ها مورد توجه داشته باشد. در این نشست جهت پیگیری مسائل و سامان دادن به کار شورای گروهی بنام کمیسیون تدارک شورای بدخشانیان مقیم کابل انتخاب شدند و نیز پیشنهاد گردید که در چارچوب شورای بزرگ بدخشانیان مقیم کابل شورایی از متخصصان تشکیل شود تا این شورا بتواند دولت را چه در مرکز و چه در ولایت بدخشان در زمینه های بازسازی و توسعه یاری رساند. همچنان در این همایش پیشنهاد شد که دولت لازم است به جای افراد ویژه، در مسائل بدخشان با این شورا به رأی زنی و مشورت بپردازد.

این همایش را خلیل الرحمن خلیل استاد دانشکدهٔ تعلیم و تربیت دانشگاه کابل گردانندگی می کرد.

گشایش پنجاه ونهمین نشست ...

آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی نیز غرض اشتراک در این نشست با شماری از اعضای کابینه عازم ایالات متحدهٔ امریکا گردیده و شب چهارشنبه درمجمع عمومی ملل متحد سخنرانی کرد، او دستاوردهای سه سالهٔ حکومت خود را در عرصه های امنیت و بازسازی و دولت سازی برشمرد. و از ضرورت هماهنگی علیه مبارزه با تروریزم یاد آور شد و از جامعهٔ جهانی خواست تا در بازسازی افغانستان سهم بیشتر بگیرند.

د تول ټاکنو په باب ...

همدارنګه یو ژورنالیست باید دهیواد ګټي، چي له ځانګړو(شخصي)، ګروپي، تنظیمي، حزبي، قومي او سمتیزو ګټو څخه لوړي او مقدسي دي له پامه ونه غورځوي او ملي ګټي له هرڅه لومړي وبولي.

دیادولو وړ خبره ده، چي دخپرونو مسوول کسان په خپلو اړوندو خپرونو کي ملي یووالي او ملي وحدت ته ځانګړي پاملرنه وکړي او هم دهغه ټکو له یدوني ډډه وکړي، چي دیو چا دنسبت په صورت کي دیوي قبیلي، قوم او ملیت احساساتو ته تاوان یا ضرر رسوي دپام وړ خبره ده، چي د تول ټاکنو په باب دټولو افغانانو هیلي او غوښتني سره یو او شریکي دي دهر افغان غوښتنه دګران وران ویجاړ افغانستان بیاجوړونه او دخپل اولس هوسایي او خوشحالي ده او بس!

منتقد و ادیب نامور عرب دکتر عماد الدین خلیل در گفتگویی با مجلۀ عربی زبان المجتمع:



ادبیات اسلامی بسیار پیش رفته است اما در برخی موارد به بازنگری نیاز دارد

بر گرداننده: سید ناصر تقدسی

دکتر عماد الدین خلیل یکی از نقادان وبارزان عرصۀ ادبیات اسلامی به حساب است، او به سال ۱۹۳۹ در موصل عراق چشم به جهان هستی گشود، و در سال ۱۹۶۸ دکترای خود را در رشتۀ تاریخ از دانشکدۀ ادبیات عین الشمس قاهره به دست آورد، و در دانشگاه های مختلف عراق ایفای وظیفه کرد، چنان که یک دوره مسؤولیت دفتر دانشگاه مرکزی و دوری دیگر مسؤولیت دفتر موزیم تمدنی را به عهده داشت وباری هم بحیث رئیس بخش پژوهش های آثار باستانی مناطق شمالی عراق کار می کرد.

نامبرده بیشترا ز شصت تألیف در عرصه های فرهنگ، عرفان، تاریخ، ادب، سیرت و... دارد.

اخیراً مجلۀ عربی زبان المجتمع باوی، دربارۀ اوضاع عراق وقضایای مختلف ادبیات اسلامی، نقد، ابداع وسایر موضوعات گفتگویی انجام داده است که به دلیل اهمیت آن در بخش ادبیات وفرهنگ اسلامی ترجمه اش به نشر می رسد.

• بی تردید شما به عنوان ادیب واندیشمند عراقی، از رویدادهای ناهنجار کشور خود متأثر شده اید، بر مبنای این تأثر اوضاع جاری عراق را چگونه می بینید؟

عراقی ها به وحدت ملی وتمامیت ارضی کشورشان عشق می ورزند، واگر برنامۀ بربادی وافتراق عراق که صدها سال از وحدت کامل برخوردار بوده ومرکز جهان اسلام محسوب می شده است، به همین منوال ادامه یابد، فاجعه، ابعادی گسترده خواهد یافت. گمان می کنم که در مورد آیندۀ عراق تلاش هایی در دوبخش جریان دارد؛ جریانی که از حاکمیت و وحدت کشور در چهارچوب یک نظام فدرالی حمایت می کند و جریانی دیگر که برای تجزیۀ آن فعالیت می کند وهراس دارم که همین جریان موفق شود! ونمی دانم که بر عقل واندیشۀ امریکایی در این خصوص، چه خطور می کند. اما خوشبختانه عراقی ها تاکنون توانسته اند تمام کوشش های فتنه جویانه وتفرقه انگیز را بی اثر سازند ویگانگی اجتماعی خود در برابر هر دسیسه یی را حفظ نمایند.

• چنان که می دانید فاجعۀ عراق برفاجعۀ فلسطین افزوده شده است، شما به مثابۀ یک مؤرخ، آینده را چگونه ارزیابی می کنید؟

سنت الهی در طبیعت و در تاریخ بشر، یک سان در حرکت است، هرگاه تاریکی ها، مشکلات و رنجها وگسست ها بیشتر شود، به طلوع فجر امیدوار تر می شویم، و برحسب این سنت خدا، به امت اسلامی زمینه هایی فراهم خواهد شد که باری دیگر تاریخ پرافتخارش را زنده کند و از بحبوحۀ مشکلات پیروزمندانه به در آید. شکست ها همواره آموزنده است، اگر ما از کاستی های گذشتۀ خویش تجربه بگیریم، حال مان نسبت به دیروز بهتر خواهد شد. آموزه های قرآنی بیانگر آن است که اگر یک مسلمان با قوانین حرکت تاریخ همگام باشد و از امکانات وتجربه های موجود بهرۀ درست ببرد، به شکست رو به رو نخواهد شد، چنین کاری در تاریخ در بین امت مسلمان به وقوع پیوسته است و این امت بازهم می تواند برای دومین وسومین بار به پویایی وتحرک بیاید.

• شما به عنوان یکی از نقادان بسیار بارز عرصۀ ادبیات اسلامی و کسی که در این میدان تجربه دارید، نظرتان دربارۀ وضعیت این ادبیات از لحاظ ابداع و نوآوری چیست؟

- ادبیات اسلامی بسیار پیش رفته است، اما برای تحقق توازن مطلوب، ضروری است که در فرآورده های ابداعی، نظری، منتقدانه وپژوهشی آن بازنگری صورت بگیرد، ادبیات اسلامی، در برخی موارد و عرصه ها، دارای نتایجی خوب ودستآوردهایی قناعت بخش وخوشحال کننده و درعین حال توفنده است و در مواردی دیگر حضوری چشم گیر ندارد و با مشکلات همراه است، به گونۀ نمونه نقد تطبیقی تا حدود زیادی در تنگنا قرار دارد و با کاروان ابداع و نوآوری کمتر همرکابی می کند، از این رو ما به تشویق ناقدان ادبیات خود نیازمندیم تا آنها برتلاش های خویش درجهت پیگیری کارهای نو آورانۀ خود به هدف ایجاد توازن بین نقد وابداع، ادامه دهند.

• اما این حضور طاغیانۀ شعر را در مقایسه با اجناس واصناف ادبی دیگر، چگونه تفسیر می کنید، آیا در قدم نخست، موضوع به این بر نمی گردد که ما امتی شاعر هستیم؟

آری، نخست این که ما امتی شاعر هستیم و دوم این که میراث ادبی ما اساساً تاحد زیادی میراث شعری است، وسوم این که برخی اجناس ادبی کنونی ساخته وپرداختۀ دست خود ما نیست بلکه از غرب به عاریت گرفته شده است و به آن بیشتر از پنجاه و یا صد سال آشنایی نداریم، و به نظر من ما برای شناخت وتسلط بر این اجناس، به زمان ضرورت داریم، ولیکن مشکل در این است که بسیاری اشخاص با درد، به ادبیات وهنر از دریچۀ سرگرمی های بی ارزش وبی وزن می نگرند که بهتر است به نفع امور فکری وپژوهشی ودیگر امور قابل توجه به فراموشی سپرده شود، اما بی خبر از آن که ادبیات پیامی شفاف وپاکیزه است که ما را به طرف مقابل پیوند می زند ومی شناساند.

• بعضی ها عقیده دارند که حالت امروزۀ ادبیات اسلامی به حالت ادبیات افراطی جدید، مانند کثرت تیوری وقلت نو آوری مشابهت به هم می رساند، نظر شما چیست؟

برعکس آنچه شما گفتید ما به تیوری بیشتر نیاز داریم، اما به شرطی که توازن در این امر، رعایت گردد. ما به یک برنامۀ بسیار دقیق در زمینۀ نقد وادبیات محتاج هستیم؛ برنامه یی که اصولاً از بخش نقد ادبی کنونی ما رخت بربسته است، درست در برخی زمینه ها باید توجه بیشتر وتلاشی پی گیر صورت بگیرد، ولیکن نیازمندی ما به نظریه پردازی وپژوهش در آن همچنان به قوت خود باقی است، تا از این راه کمبودهایی که در بعضی موارد ابداع واجناس ادبی هست برآورده شود؟

• با آن که زمان زیادی از ظهور ادبیات اسلامی می گذرد، هنوز تقریباً این ادبیات درحاشیه قرار دارد، این تنگنای وضع شده از جانب بعضی طرفهای رسمی و ادارات فرهنگی مختلف، به ویژه جریانی که خود را به نوگرایی منسوب می کند را چگونه تفسیر می نمایید؟

مبارزه میان طرفداران ادبیات اسلامی وجریان های نوگرایی لائیک، مبارزه یی است مستمر وهمیشگی؛ مبارزه یی که بین محمد وابوجهل وجود داشت، محمدسمبل دیدگاه اسلامی وانسانی است و ابو جهل نمونۀ دیدگاه پست وضعی واهریمنی؛ دیدگاهی که نمی خواهد ، دست کم بُعد انسانی در پیام ادب اسلامی را بداند، وهرگاه که طرف های دیگر و جریان های ادبی غیراسلامی درک کنند که ادب اسلامی دارای شفافیت، انسانیت، ارزش های اخلاقی وفضای باز است، این بدبینی ها دیگر کاسته خواهد شد.

• امروزه نوگرایی ادبی وهنری به بن بست رسیده است و از این که در این جریان کمبودهایی در زمینه های مختلف به مشاهده می رسد، خوانندگان و دوست داران آن روز تا روز در حاشیه قرار می گیرند، در این حال ادبیات اسلامی نیز نتوانسته است این خلای بزرگ را پر کند، آیا مشکل در این ادبیات است، یا در خواننده و یا هم در فرایند پیام رسانی میان آن و خواننده؟

مشکل همین است، قضیۀ نوگرایی حلقه یی از زنجیرۀ طولانی فرآورده های وضعی در غرب وشرق است، فرآورده هایی که همواره در حال نوسان قرار دارد، غربی ها حتی دستاوردهای شعری شان را هم گاه ناگاه به چالش می گیرند، یکی بر دیگری می تازد و یکی برجای دیگری قرار می گیرد، در عرصه های سیاست، اندیشه، ادبیات، فرهنگ و تمدن نیز یک حالت و وضعیت ندارند، نه روند وجودی (اگزیستاسیایستی، ونه اندیشۀ کمونیستی ونه گرایش های نژادگرایانه، هیچ کدام نتوانسته است استمرار یابد و معلوم نیست که این مسیر به کدام سمت حرکت می کند و در کجا پایان می پذیرد، چه، فکر واندیشه ودید آنان، چنان که اندیشۀ ما بر اصول وثوابت استوار می باشد، استوار نیست. نقطۀ افتراق میان ما و آنان این است که ما در داده ها، به ویژه دستاوردهای ادبی خود بر یک سلسله مبانی و ثوابت تکیه داریم که برمتغیرات احترام می گذارد، وما گام های خود را براساس قواعد وارزش هایی می نهیم، که در ژرفای دین وجهان بینی اسلامی ریشه دارد، دینی که در گذشته ها از باطل وانحراف در امان بوده و در آینده ها نیز مصؤون خواهد بود، اما آنها (غربی ها) بر دیدگاه های این شخص و آن شخص، این فیلسوف و آن فیلسوف و بر روی هم این اندیشمند و آن اندیشمند اعتماد دارند ومتکی هستند، دستاوردهای آنان مبتنی برکوتاهی، نسبیت ولائیکی است و همچنان داده های ادبی شان تاحدودی زیاد هوس پرستانه و ناشی از گمان و دور از حقیقت است وخود بزرگ بینی را در خود دارد، چنان که قرآن می گوید:

«اینها فقط نام هایی است که شما و پدران تان بر آنها گذاشته اید، وهرگز خداوند دلیل و حجتی برای آن نازل نکرده؛ آنان فقط از گمان های بی اساس و هوای نفس پیروی می کنند، در حالی که هدایت از سوی پروردگار شان برای آنها آمده است».

بناءً چنان که شما گفتید برماست که این خلای بزرگ را که فرآورده های آنان(غربی ها) برجای مانده است، نه تنها در سطح ادبیات، بلکه در سطح فرهنگ وغیر آن نیز به قدر مطلوب پر کنیم.

اما به اندیشۀ من این خلا هرگز پر نخواهد شد و دیگران ما و ادبیات مان را احترام نخواهند کرد، تا زمانی که به جوانب هنری ادبیات خود توجه نکنیم، هرگاه جوانب شکلی، هنری و زیبا شناختی ادبیات مان را مورد اهتمام قرار دادیم، حتماً این خلاها پر می شود وادبیات ما هم به جایگاه رفیع نایل می آید؛ بسیاری ها تصور می کنند که ادبیات اسلامی فقط از رهگذر مضامین ومحتوا قیمت دارد، در حالی که ادبیاتی که درکنار مضمون ومحتوا ارزش های هنری نداشته باشد، نمی تواند به عنوان ادبیات خوب به حساب آید.

• در سال های اخیر، از وضع تیوری نقد اسلامی، زیاد حرف زده می شود، وشما از مدتی دور بدین طرف در این عرصه قلم فرسایی کرده اید، امکان کامیابی این روند چه قدر میسر است؟

بحمدالله نظریه ها وتیوری ها وضع شده است، درحدود هفت یا هشت کتاب نوشته شده، که غالباً در پیرامون نظریۀ ادبیات اسلامی بحث می کند و پیمانۀ تلاش های ادبی را مشخص می سازد که دیدی اسلامی و اصیل ارایه می دهند چنین کاری اکنون وجود دارد، و توانسته است درزمینۀ وضع تیوری نقد اسلامی سهم بارز بگیرد.

• به اندیشۀ شما مسؤولیت ورسالت شاعر، ادیب و فرهنگی مسلمان در برابر چالش های موجود علیه امت اسلامی چیست؟

- شعرا، ادبا وفرهنگیان مسلمان خیلی مسؤولیت دارند که دیدگاه ها وآرمان های پاکیزۀ امت و پیام دین خویش را به جهانیان برسانند تا ضمایر آنان بیدار شود وبه سوی قضایای مسلمانان به نظری واقعبینانه وجدی بنگرند، قضایایی که صلاحیت خوبی ها را به سود دیگران رقم زده است و از امت اسلامی ودیدگاه های آن دربارۀ آزادی وزندگی، چهره یی سوء وباژگونه ترسیم کرده است.

ادیب این امت آواز نیرومند ورسایی است که می تواند توازن مطلوب در این زمینه را به حالت عادی خود بازگرداند، وحقوق امت مسلمان را متحقق سازد و دیدگاه های آن را به طرف مقابل بفهماند، و با این کار، شاید راهی به سوی عقل ها و وجدان های غربی گشوده شود و آنها زمانی حقایق را بپذیرند. مسألۀ دیگر این است که رسانه های امروزین واطلاعات جدید، انفجاری بزرگ را راه اندازی کرده است؛ از این رو کوشش هایی فراوان وخستگی ناپذیر می طلبد که در برابر این موج شتابان ویورش فرهنگی غرب ایستادگی کند، وبیشترین نقش در این مورد به دست ادبا ونویسندگان است که از طریق نمایشنامه های تلویزیونی، سینمایی وسیمینارها می توانند، جبهه یی تسخیر ناپذیر بسازند.

مجاهد

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

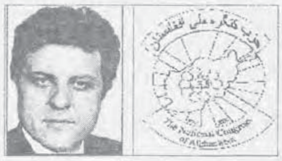
شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ بیست وچهارم | چهارشنبه اول میزان ۱۳۸۳ | ۸ شعبان المعظم ۱۴۲۵ - 22 September 2004

نامزد های ریاست جمهوری و نشان انتخاباتی آنان

برپایهٔ ترتیب دفتر مشترک تنظیم انتخابات


عبداللطیف پدرام


حامد کرزی


همایون شاه آصفی


میر محمودمحفوظ


حاجی محمد محقق


سید اسحاق گیلانی


عبدالستار سیرت


عبدالحفیظ منصور


غلام فاروق نجرابی


احمد شاه احمدزی


عبدالحسیب ارین


وکیل منگل



عبدالهادی خلیل زی

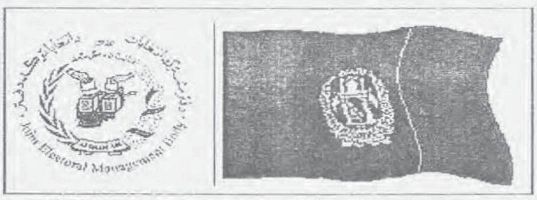

محمدابراهیم رشید


محمد یونس قانونی


مسعوده جلال


سید عبدالهادی دبیر


عبدالرشید دوستم



از نامه های آمده

خانه ام غصب شده است

به ادارهٔ هفته نامهٔ وزین مجاهد!
امیدوارم نامه ام را که از پایمال شدن حقوقم حاکی است نشر نمایید تا به مطالعهٔ بزرگان دولت برسد وآنها برحالم ترحمی نمایند.

من غلام سرور فرزند پیرمحمدخان مالک خانهٔ شماره ۲۵۶ مقابل لیسهٔ نسوان منوچهری هستم.

خانه ام را در سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۷ برای گلاب الدین فرزند شیراحمد به کرا دادم و قرار شد که در ختم هرسال قرار داد تجدید گردد. اما در این جریان، کرا نشین(گلاب الدین) به نام خودش حویلی مرا سند جعلی درست کرده و از آن خویش نموده است در حالی که من سند اصلی را در دست دارم وموضوع را به شورای وزیران وقت عرض کردم که از ان جا به ستره محکمه راجع شد وجعلی بودن سند گلاب الدین به اثبات رسید وحتی خود او اظهار نمود که حویلی شماره ۲۵۶ مربوط من نبوده وکرا نشین هستم مهلت داده شود تا جای پیدا کنم وحویلی را تخلیه می نمایم.

به وزارت عدلیه نیز عارض شدم که بعد از بررسی موضوع، درست بودن اسناد من وجعلی بودن اسناد گلاب الدین به اثبات رسید که اسناد در محکمهٔ محترم تمییز ستره محکمه می باشد و سه سال از آن می گذرد و تا حال نه او خانه ام را تخلیه کرده و نه هم داد وفغان وعرایض من جایی را گرفته است.

موضوع را به ادارهٔ امور ریاست محترم دولت و ریاست محترم عمومی امنیت ملی نیز عارض شدم که ایشان به مراجع ذیربط جهت بررسی موضوع وظیفه سپردند که همه مراجع به نفع من فیصله کردند. ولی تاهنوز خانه ام را تسلیم نشده ام.

امیدوارم مسؤولان به خصوص جناب حامد کرزی به دادم برسند و در راستای سپردن حق به حقدار دین شان را ادا و به حق تلف شدگان رسیدگی کنند و به زورگیران و زور گویان جزا دهند.

والسلام
غلام سرور
از کلوله پشته ـ شهرنوکابل

جان کری: رقیب انتخاباتی بش:

جنگ عراق اشتباه بود

جان کری نامزد دموکرات ها برای ریاست جمهوری آن کشور، جورج دبلیو بوش رئیس جمهور آمریکا را متهم به قضاوت بسیار بد در مورد عراق کرده است.

در حالی که شش هفته به برگزاری انتخابات در آمریکا باقی مانده است، جان کری تبلیغات انتخاباتی خود را از عرصهٔ اقتصاد به مسائل سیاسی و خارجی تغییر داده است.

تا پیش از این، آقای جان کری دربارهٔ این که براندازی صدام حسین از قدرت درست بوده یا نه، موضعی صریح نگرفته بود.

جان کری گفت: اگر او به جای جورج بوش قرار می داشت و دربارهٔ جنگ تصمیم می گرفت، دست به حمله بر عراق نمی زد. آقای کری گفت که تصمیم رئیس جمهور بوش برای رفتن به جنگ عراق، باعث کم توجهی به تهدیدهایی بزرگ تر مثل حملات تروریستی شده و بحرانی ایجاد کرده است که می تواند به جنگی بی پایان بینجامد.



بدخشانیان مقیم کابل در یک همایش بزرگ

اوضاع سیاسی کشور و نقش بدخشانیان را در دولت آینده مورد بررسی قرار دادند

بیش از دو صد تن از نخبگان بدخشان مقیم کابل روز جمعه ۲۷ سنبله در یک همایش در سالن میوند اوضاع سیاسی کشور ومشکلات و موضوعات مربوط به بدخشان را مورد بررسی قرار دادند در این همایش که شماری بزرگ از متخصصان و فرهنگیان وفرماندهان جهادی بدخشان گردهم آمده بودند واقف حکیمی ، عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل، مولوی جمال عبدالناصر، جنرال صبغت الله سایق رئیس عمومی جنایی وزارت داخله، جنرال سمیع الله قطره رئیس پولیس سرحدی وزارت داخله، مولوی عبدالعزیز استاد دانشگاه کابل، عبدالقهار سروری مدیر مسؤول نشریهٔ پیام ملت، دکتر سید اکرام حصاریان استاد دانشگاه کابل، جنید الله عینی محصل دانشگاه تعلیم و تربیه، پرتونادری شاعر ونویسندهٔ شهیر، عبدالمعین اسلام پور محصل دانشکدهٔ حقوق، دکتر فاروق، انجینیر سید معصوم بدخش و امرالدین محصل دانشکدهٔ حقوق به ترتیب سخنرانی کردند.

ص ۶